

# افغانستان آزاد – آزاد افغانستان

AA-AA

چو کشور نباشد تن من مباد بدین بوم و بر زنده یک تن مباد  
همه سر به سر تن به کشتن دهیم از آن به که کشور به دشمن دهیم

[www.afgazad.com](http://www.afgazad.com)

[afgazad@gmail.com](mailto:afgazad@gmail.com)

Iran's M.

انینة ایران

فرستنده: علی کاظمی

۱۰/۱۷/۱۰

## ایران در هفته‌ای که گذشت

جمعه ۲۳ مهر ماه [میزان]

### پیام سیاسی حضور احمدی‌نژاد در لبنان

دیدار رسمی احمدی‌نژاد از لبنان در این هفته که در رسانه‌های گروهی جمهوری اسلامی انعکاس تبلیغاتی گسترده‌ای داشت، به رغم حساس بودن مسئله لبنان، با واکنش سیاسی مخالفت‌آمیزی از سوی قدرت‌های منطقه‌ای و جهانی همراه نبود. تنها، دولت‌های آمریکا و اسرائیل مخالفت خود را بر سر این مسئله رسماً ابراز داشتند. با توجه به جایگاه لبنان در منازعه اعراب و اسرائیل و نیز نقش این کشور در منازعات پان عربیسم و پان اسلامیسیم، سفر احمدی‌نژاد به لبنان، فقط می‌توانست بر پایه یک توافق سیاسی شکل گرفته باشد که اهداف سیاسی فوری طرفین آن‌ها را وادار به این توافق کرده باشند.

لبنان در واقعیت امر، کشوری با یک حاکمیت واحد نیست. کشوری تقسیم شده میان دسته‌بندی‌های قومی، مذهبی و سیاسی مختلف است که هر یک وابسته به کشورها و قدرت‌های بیگانه‌اند و سیاست‌های آن‌ها را پیش می‌برند. در یک سو گروه‌های قومی، مذهبی و سیاسی عمدتاً مسیحی و سنی قرار گرفته‌اند که مورد حمایت مهم‌ترین کشورهای عربی منطقه و قدرت‌های اروپایی و آمریکایی قرار دارند و در سوی دیگر، گروه‌های اسلام‌گرای شیعه نظیر حزب الله و امل قرار گرفته‌اند که تحت نفوذ جمهوری اسلامی و سوریه هستند و سیاست آن‌ها را پیش می‌برند. احمدی‌نژاد نمی‌توانست دیدار رسمی به عنوان رئیس جمهوری اسلامی از این کشور داشته باشد، مگر آن که دسته‌بندی رقیب گروه‌های حزب‌اللهی که در ائتلاف موسوم به ۱۴ مارس متشکل شده‌اند، با این سفر موافقت کند و این توافق در صورتی ممکن بود که حمایت لاقول کشورهای نظیر مصر، عربستان سعودی و اردن در منطقه جلب شده باشد. این توافق از قبل صورت گرفته بود و نقش اصلی در این توافق و تدارک دیدار احمدی‌نژاد از لبنان را سوریه به عهده گرفته بود. این است دلیل این که چرا کشورهای هائی که تاکنون با هر گونه تحرک سیاسی رسمی جمهوری اسلامی در لبنان آشکارا مخالفت و واکنش نشان می‌دادند، بر سر این مسئله کاملاً سکوت کردند. اما این توافق بی‌دلیل نبود، بلکه آن‌ها هدف سیاسی معینی را دنبال می‌کردند. در واقع هدف آن‌ها ارسال یک پیام سیاسی به

دولت اسرائیل بود.

رژیم اسرائیل همان‌گونه که هر کس می‌داند حاضر به تخلیه سرزمین‌های اشغالی مردم فلسطین و عقب‌نشینی از مناطق اشغالی نیست. لذا همواره تمام مذاکرات و نشست‌های منطقه‌ای و بین‌المللی را برای رسیدن به توافق و تشکیل یک دولت مستقل فلسطینی با شکست روبرو ساخته است. آخرین تلاش‌های کشورهای عربی حامی محمود عباس برای حصول به توافق و سازش با وساطت دولت امریکا نیز بار دیگر با کارشکنی دولت اسرائیل روبرو شده و به بن‌بست رسیده است. حضور احمدی‌نژاد در لبنان، وسیله‌ای است که از طریق آن قدرت‌های عربی منطقه می‌کوشند رژیم اسرائیل را به عقب‌نشینی وادارند و مذاکرات را از بن‌بست بیرون آورند. آن‌ها بدین طریق یک پیام سیاسی برای رژیم اسرائیل ارسال می‌کنند: جمهوری اسلامی، اکنون رسماً و علناً پشت مرزهای اسرائیل ایستاده است. یا عقب‌نشینی، توافق و سازش، یا تشدید بحران و درگیری نظامی با دولتی که خواهان محو اسرائیل از کره زمین است.

جمهوری اسلامی نیز با دیدار رسمی احمدی‌نژاد از لبنان منافع و اهداف مختص خود را دنبال می‌کند. جمهوری اسلامی تاکنون از طریق گروه حزب‌الله در لبنان حضوری غیر رسمی، اما فعال داشته و سیاست‌های خود را در این کشور در راستای اهداف پان‌اسلامیستی‌اش پیش برده است. جمهوری اسلامی همه ساله صد ها میلیون دلار صرف هزینه‌های حزب‌الله و تقویت نفوذ خود در میان شیعیان این کشور کرده است. این هزینه‌ها در طول ۵ سال گذشته آن‌گونه که از سوی منابع درونی حزب‌الله اعلام شده است، بالغ بر یک میلیارد دلار می‌گردد. اکنون با حضور رسمی احمدی‌نژاد و انعقاد قراردادهای علنی و غیر علنی با دولت ظاهراً رسمی این کشور، این حضور و مداخله در لبنان شکلی رسمی و علنی به خود می‌گیرد. موضع حزب‌الله در این کشور تقویت می‌شود و جمهوری اسلامی علنی‌تر و مستقیم‌تر می‌تواند نفوذ خود را گسترش دهد. حضور احمدی‌نژاد در لبنان، البته واقعیت دیگری را هم منعکس می‌کند و آن تضعیف موقعیت امریکا و اسرائیل در منطقه است و الا در شرایطی جز این، وی هرگز نمی‌توانست به لبنان سفر رسمی داشته باشد. جمهوری اسلامی ظاهراً ادعا می‌کند که حضورش در لبنان و تقویت مواضع حزب‌الله برای مقابله با تجاوزات و توسعه‌طلبی‌های اسرائیل است. در واقعیت اما تمام هدف جمهوری اسلامی، گسترش و تقویت اسلام‌گرایی است. برای جمهوری اسلامی، اسرائیل و توسعه‌طلبی‌های آن، صرفاً یک بهانه و دستاویز برای پیشبرد توسعه‌طلبی اسلامی است. اگر جمهوری اسلامی از پایمال شدن حقوق مردم فلسطین توسط رژیم اشغالگر اسرائیل سخن می‌گوید، صرفاً دستاویز مناسبی است برای تقویت گروه‌های اسلام‌گرای حماس و جهاد برای استقرار یک حکومت اسلامی در فلسطین. این واقعیت به طریق اولی در مورد لبنان نیز صادق است. بنابراین روشن است که چرا مردم ایران عموماً با سیاست‌های رژیم در فلسطین و لبنان مخالف‌اند. لاقلاً اکثریت بزرگ مردم ایران آگاهند که سیاست‌های جمهوری اسلامی نه در خدمت رهائی مردم فلسطین از یوغ ستم‌گرانه اسرائیل است و نه نفعی برای خود مردم ایران دارد.

هر ساله صدها میلیون دلار حاصل دسترنج توده‌های کارگر و زحمتکش مردم ایران صرف هزینه‌های یک گروه مرتجع اسلام‌گرا به نام حزب‌الله لبنان می‌شود. توده‌های مردم ایران حق دارند که مخالف آن باشند. اما مخالفت مردم ایران با سرازیر کردن حاصل دسترنج‌شان به جیب یک گروه انگل مذهبی فقط یک جنبه مسأله است. مردم ایران، با تمام سیاست رژیم مخالف‌اند، چرا که متضمن خطراتی دیگر برای آن‌هاست.

اکنون با حضور رسمی احمدی‌نژاد در لبنان، جمهوری اسلامی بیش از هر زمان دیگر خود را به خط مقدم جبهه درگیری نظامی با رژیم اسرائیل نزدیک‌تر کرده است. مردم ایران نمی‌خواهند وارد جنگی شوند که هر دو طرف

نزاع دولت‌های ارتجاعی و ضد مردمی هستند. دولت‌های دینی جمهوری اسلامی و اسرائیل دو روی یک سکه‌اند. دولت اسرائیل نماینده توسعه‌طلبی یهودیست و جمهوری اسلامی نماینده توسعه‌طلبی اسلامی. منافع و خواست توده‌های مردم ایران با اهداف و منافع این هر دو دولت در تضاد قرار دارد.

### نزاع دزدان و قدرتمندترین خدایان

پوشیده نبود که خامنه‌ای در جریان نزاع رفسنجانی و احمدی‌نژاد بر سر دانشگاه آزاد، سرانجام جانب احمدی‌نژاد را خواهد گرفت. در این هفته خامنه‌ای با ارسال نامه‌ای به دو طرف درگیر، حکم خود را به نفع احمدی‌نژاد صادر کرد و سرنوشت یک ثروت کلان چند تریلیون تومانی را که درآمد سالانه آن صدها میلیارد تومان است، به دست دار و دسته خودش و احمدی‌نژاد سپرد.

رفسنجانی در دوران زمامداری خود به عنوان رئیس جمهوری اسلامی، با قرار دادن سررشته امور اقتصادی در دست طرفداران خود، تثبیت آن‌ها در مراکز پردرآمد اقتصادی و مالی دولت، واگذاری مؤسسات دولتی به حامیان خود و دائر کردن مؤسساتی که منبع درآمدهای کلان باشد، خواست موقعیت سیاسی خود را به شکلی پایدار تضمین کند.

اوضاع اما آن‌گونه که او طراحی کرده بود، پیش نرفت و رقیبانش سرانجام با به قدرت رساندن احمدی‌نژاد بر او پیروز شدند. اینان برای این که ضربه جدی به رفسنجانی و طرفداران وی وارد آورند، به تدریج مراکز مهم اقتصادی و مالی دولتی را از چنگ وی درآوردند و خود بر آن‌ها چنگ انداختند. یکی از این مراکز مهم نفت بود که پس از یک رشته کشمکش‌ها بالاخره از تصرف رفسنجانی و کارگزاران وی درآمد و به تصرف گروه طرفداران احمدی‌نژاد درآمد. یکی دیگر از مراکز درآمدهای کلان برای رفسنجانی و طرفداران وی دانشگاه آزاد بود که بعد از نفت بیش‌ترین اهمیت را به لحاظ اقتصادی و سیاسی برای آن‌ها دربرداشت. احمدی‌نژاد در دوره چهار ساله نخست زمامداری‌اش برای گرفتن دانشگاه آزاد از دست رفسنجانی، خیز برداشت، اما موفق نشد. نفوذ رفسنجانی در دستگاه دولتی جمهوری اسلامی هنوز در آن حد بود که بتواند بر سر این مسأله ایستادگی کند. اما بحران سیاسی پس از "انتخابات" سال ۸۸، وضعیت سیاسی رفسنجانی را به کلی تضعیف نمود. اکنون موقعیت برای طرفداران احمدی‌نژاد مساعد شده بود که دانشگاه آزاد را هم از چنگ رفسنجانی درآورند و آن را به عاملی دیگر برای تقویت موضع خود قرار دهند.

رفسنجانی که دریافت دیگر نمی‌تواند دانشگاه آزاد را به شکل گذشته در اختیار خود نگه دارد، تلاش کرد از طریق وقف این دانشگاه و اعلام این که خامنه‌ای هم با این وقف موافقت کرده است، حریف را به عقب‌نشینی وادارد. اما خامنه‌ای که خودش پشت این قضیه برای تضعیف موقعیت اقتصادی و سیاسی رفسنجانی بود، از طریق دفترش اظهارات رئیس دانشگاه آزاد را تکذیب کرد. گفته شد که خامنه‌ای هیچ نظری در این مورد ابراز نکرده است. همین کافی بود تا احمدی‌نژاد در رأس شورای انقلاب فرهنگی با تغییر اساسنامه و هیأت امناء، برای خلع ید از رفسنجانی دست به کار شود. رفسنجانی چاره‌ای نداشت جز این که دست یاری به سوی خامنه‌ای دراز کند. خامنه‌ای هم برای این که او را از سر باز کند و خودش مستقیماً چیزی نگوید، از رئیس قوه قضائی خواست که مسأله را بررسی کند و ببیند که آیا وقف دانشگاه از نظر فقهی و حقوقی ممکن است یا نه؟ نزاع اما بر سر ثروت و درآمد کلان دانشگاه آزاد، نه فقهی بود و نه حقوقی. نزاع درونی دزدان و چپاول‌گران بر سر تصرف ثروتی بود که متعلق به مردم ایران است. در این نزاع درونی دزدان، آن که زور و قدرتش بیش‌تر بود، برنده شد. رئیس قوه قضائی

رژیم که گماشته خود خامنه‌ای است، در مقام داور اعلام کرد که از هر دو جهت حقوقی و فقهی، وقف ممکن نیست و رفسنجانی را بازنده و احمدی‌نژاد را برنده اعلام کرد. خامنه‌ای هم با استناد به حکم داوری عدل اسلامی در نامه خود خطاب به هاشمی و احمدی‌نژاد نوشت: "در پی مأموریت به دو هیأت فقهی و حقوقی برای بررسی عمیق و همه جانبه درباره وقف اموال دانشگاه آزاد اسلامی، مجموعه بحث‌ها و تدقیق در ادله مختلف، به این نتیجه قطعی منتهی شد که وقف مزبور دارای اشکالات اساسی فقهی و حقوقی است. بنابراین وقف مزبور از لحاظ فقهی و حقوقی صحیح نیست".

ماجرای پایان یافت و اکنون دانشگاه آزاد با مجموعه دارایی و ثروتی که ۲۵۰ تا ۴۰۰ هزار میلیارد تومان برآورد می‌شود و یک درآمد سالانه ده‌ها میلیارد تومانی از تصرف دار و دسته هاشمی رفسنجانی خارج شد و به تصرف دار و دسته خامنه‌ای و احمدی‌نژاد درآمد.

در حالی که چند روز پیش از اعلام رسمی حکم خامنه‌ای، هاشمی رفسنجانی اعلام کرده بود که هیچ کس نمی‌تواند وقف دانشگاه آزاد را بر هم زند و اگر کسی توانست این کار را انجام دهد از خدا قوی‌تر است، خامنه‌ای وقف دانشگاه آزاد را بر هم زد و به کنایه خطاب به رفسنجانی گفت: گویا فراموش کرده‌ای که خدا برای ترساندن مردم ناآگاه است و نه ترساندن خودمان. به ویژه اگر پای پول و منافع کلان مادی در میان باشد، آن‌گاه بی هیچ تردیدی باید گفت آن که زورش بیش‌تر است، بالاترین و قدرتمندترین خدایان است.

### **اصرار جمهوری اسلامی برای از سرگیری مذاکرات**

مذاکرات سیاسی جمهوری اسلامی و قدرت‌های موسوم به گروه ۵ به اضافه ۱ بر سر مسایل مورد اختلاف، اکنون چندین ماه است که به حالت تعلیق درآمده است. این توقف در گفتگوهای رسمی طرفین، پس از آن پیش آمد که گروه ۱ + ۵ دریافت، از مذاکرات مستقیم چیزی عاید نمی‌شود.

جمهوری اسلامی پای بحث مسایل اصلی مورد اختلاف نمی‌رود و هدفش بیش‌تر برگزاری جلسات بدون نتیجه است. بنابراین به رغم درخواست‌های مکرر جمهوری اسلامی برای از سرگیری مذاکرات، پاسخی به آن‌ها ندادند و بالعکس بر روی اعمال فشارهای اقتصادی و سیاسی متمرکز شدند. در این فاصله، اعمال یک رشته تحریم‌های اقتصادی و سیاسی بین‌المللی و نیز یک طرفه از سوی امریکا و برخی دولت‌های اروپائی، جمهوری اسلامی را مقدم بر هر چیز با معضلات اقتصادی و مالی جدی روبرو ساخته است. واردات و صادرات کالاها با موانع جدیدی روبرو شده است. مؤسسات تولیدی که عموماً می‌باید بخشی از مواد اولی و کالاهای پیش ساخته را از خارج وارد کنند، با مشکلات جدی روبرو هستند. سرمایه‌گذاری‌های کلان که به ویژه در نفت و گاز مورد نیاز جمهوری اسلامی است، بسیار محدود شده است. درآمدهای نفتی دولت کاهش یافته و محدودیت‌های متعددی برای نقل و انتقال بانکی بین‌المللی پدید آمده است. به نظر می‌رسد که این تحریم‌ها به رغم ادعای سران رژیم تأثیرات منفی خود را تا آن حد بر اوضاع اقتصادی جامعه و وضعیت مالی دولت بر جای گذاشته است که سران رژیم را نگران ساخته است. از همین روست که در طول هفته‌ای که گذشت، سران و مقامات جمهوری اسلامی پی در پی آمادگی رژیم را برای از سرگیری مذاکرات اعلام نموده و پیگیرانه خواهان تعیین تاریخ برای این مذاکرات شده‌اند.

لاریجانی رئیس مجلس در این هفته اعلام کرد که تهران آماده گفت و گو و مذاکره با غرب است و ما بارها این را گفته‌ایم. سخنگوی وزارت امور خارجه از این که طرف مقابل تمایلی به از سرگیری مذاکرات نشان نمی‌دهد، ابراز تأسف کرد و گفت:

"اصل مذاکره مورد تأیید ماست ولی به نظر می‌رسد طرف مقابل آمادگی و جدیت لازم برای مذاکره نداشته باشد." وی افزود:

"در حاشیه اجلاس نیویورک هم ما اعلام آمادگی کردیم که حتا در حضور رئیس جمهور کشورمان مذاکرات را انجام بدهیم ولی ظاهراً آن‌ها چنین آمادگی نداشتند."

پیش از این، وزیر خارجه جمهوری اسلامی نیز از گروه ۱ + ۵ خواسته بود که مذاکرات را از سر بگیرد. معاون رسانه‌ای دبیر شورای عالی امنیت ملی رژیم هم از آمادگی جمهوری اسلامی برای گفتگو سخن گفت. معاون رئیس جمهوری اسلامی با اشاره به پیشنهاد برگزاری یک جلسه در نیویورک افزود:

"ما واقعاً متأسفیم که آن‌ها از یک طرف ایران را برای مذاکره ترغیب کرده و زمانی که ایران آمادگی خود را اعلام می‌کند، عقب‌نشینی می‌کنند." حتا به نظر می‌رسد که جمهوری اسلامی برای از سرگیری مذاکرات، به دولت روسیه متوسل شده است، چرا که وزیر امور خارجه روسیه در این هفته اظهار داشت که تهران آمادگی‌اش را برای از سرگیری گفتگوها با میانجی‌گران بین‌المللی، نشان داده است.

از این موضع‌گیری‌ها چنین برمی‌آید که جمهوری اسلامی شدیداً زیر فشار تحریم‌های اقتصادی و سیاسی بین‌المللی قرار گرفته و در تلاش است تا به نحوی این فشارها را کاهش دهد. پس از اعلام یک‌طرفه دولت آمریکا به مجرم بودن تعدادی از مقامات سیاسی و فرماندهان نظامی جمهوری اسلامی و اقدامات برخی از دولت‌های اروپایی برای پیروی از آمریکا در این مورد، مسأله برای جمهوری اسلامی از نظر سیاسی نیز ابعاد جدیدی به خود گرفته است. جمهوری اسلامی قطعاً به نفعش نیست که تضادها و اختلافات تا این مرحله پیش رود. بنابراین می‌خواهد به هر شکل ممکن که مهم‌ترین آن از سرگیری گفتگوهاست، این تضادها را تخفیف دهد. از این‌روست که سران و مقامات جمهوری اسلامی در طول هفته‌ای که گذشت به بهانه‌های مختلف، مکرر خواهان از سرگیری مذاکرات شدند. اما بعید است که حتا با از سرگیری مذاکرات چیزی تغییر کند. چرا که جمهوری اسلامی لااقل در وضعیت کنونی هنوز حاضر نیست، بر سر مسایل مورد اختلاف منطقی که اصل نزاع و اختلاف را تشکیل می‌دهد، عقب‌نشینی کند. نقطه‌گرهی مسأله نیز در همین جاست و نه بر سر کم و کیف غنی‌سازی اورانیوم.

### **کنفرانس بین‌المللی حقوق‌دانان ایران تریبونال برگزار شد**

"کارزار تدارک دادگاه مردمی بین‌المللی برای محاکمه رژیم جمهوری اسلامی به جرم جنایت علیه بشریت" روز دهم اکتبر برابر با هیجدهم مهرماه با انتشار اطلاعیه‌ای از برگزاری کنفرانس بین‌المللی حقوق‌دانان ایران تریبونال خبر داد. متن اطلاعیه فوق به این شرح است:

"برای نخستین بار در تاریخ ایران، کارزاری جهانی برای رسیدگی مردمی به کشتار زندانیان سیاسی در زندان‌های رژیم جمهوری اسلامی شکل گرفته است. هدف این کارزار، تشکیل دادگاهی مردمی است برای رسیدگی به اعدام‌های دسته‌جمعی سال‌های اولیه دهه ۶۰ و قتل عام زندانیان سیاسی در تابستان ۶۷. این تلاش را جمعی از خانواده‌های جان‌باختگان و جان‌بدر بردگان از کشتارهای دهه ۶۰، فعالان حوزه‌های سیاسی، اجتماعی و فرهنگی در اکتبر ۲۰۰۷ آغاز کردند. از آن تاریخ به بعد، تلاش برای ایجاد زمینه‌های برگزاری چنین دادگاهی با جدیت و پشت‌کار بی‌وقفه فعالان کارزار آغاز شد. این پروژه مردمی در روز جهانی حقوق بشر در دهم دسامبر ۲۰۰۹ اعلام موجودیت علنی کرد. دو ماه بعد در تاریخ یازده فوریه ۲۰۱۰ نخستین کنفرانس حقوقی برای تهیه و تنظیم پیش‌نویس ساختار دادگاه با حضور سه حقوق‌دان سرشناس جهانی از بلژیک، المان و کانادا برگزار شد. متعاقب آن، پیش

نویس به بحث عمومی در میان حقوقدانان کارزار گذاشته شد. یک ماه بعد، در تاریخ یازده مارس ۲۰۱۰ طرح ساختار دادگاه نهائی شد. بر اساس این طرح، می بایست کمیته راهبردی حقوقدان (Legal Steering Committee) برای سازماندهی کارهای حقوقی و دادرسی تشکیل می شد. این کمیته به یک حقوقدان سرشناس جهانی نیاز دارد که مسئولیت رهبری کمیته را به عهده بگیرد. چنین مسؤلیتی بسیار سنگین و پرمشغله است و حقوقدانی که این مسؤلیت را به عهده می گیرد، باید به مدت یک سال تا برگزاری دادگاه به صورت تمام وقت کار کند. پس از حدود چهار ماه تلاش جهانی، یک حقوقدان برجسته انگلیسی مسؤلیت رهبری کمیته را پذیرفت. بعد از این موفقیت، لازم بود کمیته راهبردی حقوقدانان تشکیل شود.

پس از دو ماه و نیم برنامه ریزی و تلاش، کنفرانس بین المللی حقوقدانان برای بررسی کارها و تشکیل کمیته راهبردی در روز جمعه اول اکتبر ۲۰۱۰ برابر با نهم مهر ۱۳۸۹ برگزار شد. در این کنفرانس دوازده حقوقدان سرشناس و برجسته جهانی از کشورهای افریقای جنوبی، کانادا، بلژیک، المان، انگلیس، فرانسه و امریکا شرکت کردند. سه حقوقدان به دلیل گرفتاری شغلی نتوانستند در این کنفرانس شرکت کنند. برگزاری چنین کنفرانسی در چنین سطحی در تاریخ مبارزات مردم ایران بی نظیر و یک دستاورد جهانی برای مردمی ستم کشیده، ظلم کشیده و عدالت جو است که دادخواهی برای اجرای عدالت را خود به دست گرفته اند.

در این کنفرانس، مسائلی همچون شکل و نحوه برگزاری دادگاه، نحوه تشکیل و وظایف کمیته راهبردی، تشکیل کمیته اجرائی، تأمین هزینه های دادگاه و حدود اختیارات هر یک از کمیته ها مورد بحث و بررسی قرار گرفت. در پایان، کمیته ای سه نفره مسؤل تشکیل کمیته راهبردی حقوقدانان، کمیته اجرائی و نحوه برگزاری دادگاه شد.

### **اعتراف یک نماینده مجلس به افزایش ۳۰ درصدی قیمت کالاهای اساسی طی یک ماه گذشته**

یک نماینده مجلس از مریوان طی سخنانی در مجلس اسلامی و در تذکری به وزیر بازرگانی گفت: "در طی یک ماه گذشته بالغ بر ۳۰ درصد به قیمت روغن نباتی و کالاهای اساسی افزوده شده است که نیازمند کنترل بازار است." به اساس گزارشها بهای بسیاری از کالاها و خدمات با نزدیک شدن طرح حذف یارانهها با افزایش سرسام آوری روبرو گشته است، از جمله بهای اجاره مسکن و بلیط پروازهای داخلی و قطار نیز با افزایش حداقل ۳۰ درصدی روبرو گشته اند.

نیروهای ترقی خواه و رادیکال از جمله احزاب چپ و کمونیست بارها در مورد نتایج فاجعه بار اجرای طرح فوق و گسترش فقر هشدار داده اند.

رادیو دمکراسی شورائی نیز در راستای وظایف خود، بارها در تفاسیر خبری و گزارشها و مطالب خود به این موضوع اشاره کرده و حتا در مورد قبض های آب و برق، همگام با زحمتکشان، خواستار مقاومت در برابر افزایش بهای آب و برق و گاز و عدم پرداخت این قبوض به صورت همگانی شد.

حکومت اسلامی که از هم اکنون در ترس حرکات توده ای به دنبال اجرای طرح یارانهها می باشد، سعی می کند با به تعویق انداختن اجرای طرح و گران کردن گام به گام کالاها و خدمات از احتمال واکنش های توده ای بکاهد.

### **تعطیلی کارخانه ها و گسترش بیکاری**

به اساس گزارش منتشره در همشهری آنلاین، در صورت اجرای طرح یارانهها بسیاری از کارخانه ها با خطر تعطیلی روبرو می باشند که نتیجه آن اخراج هزاران کارگر خواهد بود. برپایه این گزارش بسیاری از صنایع کنونی

به دلیل استفاده از تکنولوژی قدیمی و یا طراحی براساس مصرف انرژی ارزان قیمت با حذف یارانه‌ها قدرت مقابله با کالاهای وارداتی را نخواهند داشت. صنایع نساجی، چینی، کاغذ، چوب، فولاد، مس، الومینیوم، فرو آلیاژ، سرب، روی و ریخته‌گری، سیمان، کاشی و سرامیک، شیشه، آجر، گچ و سنگ، قند و شکر، روغن، لبنیات و مواد شوینده از جمله صنایع فوق می‌باشند.

شهرام باقری مدیرعامل کارخانه فولاد یاسوج در این رابطه می‌گوید:

"چون زیر ساخت‌های لازم برای رقابت در استان کهگیلویه و بویراحمد وجود ندارد و فناوری به کار رفته در صنایع این استان از استانداردهای دنیا عقب‌تر است، در صورت حذف یارانه‌ها وضع صنایع انرژی‌بر مانند فولاد سخت خواهد شد." وی می‌افزاید:

"کل تولید واقعی فولاد کشور حدود ۱۲ میلیون تن است. در حالی که میزان تولید یک کارخانه فولاد در شهر انشان چین که مشخصاً از خط تولید آن دیدن کردم، به ۲۰ میلیون تن می‌رسد. هرچه میزان تولید بیشتر باشد، هزینه‌های تولید کمتر و در نتیجه امکان رقابت بیشتر می‌شود. تولید کارخانه فولاد یاسوج به اندازه‌ای نیست که بتواند با سایر شرکت‌ها رقابت کند، بنابراین در صورت حذف یکباره و ناگهانی یارانه‌ها بدون تردید کارخانه فولاد یاسوج تعطیل و ۵۰۰ کارگر آن بیکار خواهند شد."

به رغم پیش‌بینی پرداخت بخشی از یارانه‌ها به بخش تولید، این پرداخت‌ها مشکل چندانی را از کارخانه‌های فوق حل نخواهد کرد و از سوی دیگر نقدینگی کافی برای نوسازی صنایع "انرژی‌بر" نیز وجود ندارد. شکی نیست که با توجه به تحریم‌های بین‌المللی مشکل کمبود ارز خارجی نیز به مشکلات فوق خواهد افزود.

هم چنین برخی از سایت‌های اینترنتی، خبر از تعطیلی حدود ۹۰ درصد از کارخانه‌های شهر صنعتی البرز در حاشیه شهر قزوین داده‌اند. شهر صنعتی البرز همواره یکی از قطب‌های صنعتی کشور محسوب می‌شده است. گسترش بیکاری و حذف یارانه‌ها چشم‌انداز تیره‌ای برای کارگران و زحمتکشان به وجود آورده است. اما به رغم این که عواقب سیاست حاکمیت در آزادسازی قیمت‌ها و تاثیرات آن بر زندگی کارگران و زحمتکشان بر همگان روشن است، حکومت اسلامی هم چنان بر اجرای طرح فوق اصرار می‌ورزد.

### **اعضای دولت از نمایندگان مجلس شکایت می‌کنند**

در حالی که محمود احمدی‌نژاد هفته پیش گفته بود که بین دولت و مجلس هیچ مشکلی وجود ندارد، روز دوشنبه نوزدهم مهر اعلام شد که معاون اول وی از علی مطهری و تعدادی دیگر از نمایندگان مجلس شورای اسلامی شکایت کرد.

پیش از آن که محمدرضا رحیمی، معاون اول احمدی‌نژاد از مطهری و دیگران شکایت بکند، او این کار را کرده بود. با این حال وکیل مطهری به این‌ها گفته است که از موضوع اتهام خیر ندارد.

اکنون مدتی است که اختلافات دولت و مجلس بالا گرفته است و هر دو طرف به جدل و کشمکش با یکدیگر می‌پردازند. در این زمینه یک نماینده دیگر مجلس که عضو کمیسیون تلفیق است و علی اکبر اولیاء نام دارد می‌گوید که دولت خواهان برخورداری از اختیارات تام است. وی می‌افزاید که خامنه‌ای با این موضوع مخالف است. اولیاء همچنین به ذکر برخی نکات دیگر از قبیل عدم وجود تبادل اطلاعات بین دولت و مجلس اشاره کرد.

اختلافات دولت و مجلس در واقع روی دیگر سکه بحران عمومی سیاسی است که رژیم جمهوری اسلامی را سراپا در بر گرفته است و نهادهای مختلف آن را درگیر اختلاف و کشمکش نموده است. در این زمینه همچنین می‌توان به

تلاش باندهای درونی رژیم برای برخورداری از امتیازات بیش‌تر اشاره کرد. درگیری کنونی بین دولت و مجلس درگیری باندهائی از قبیل باند احمدی‌نژاد با باند لاریجانی‌ست. طرفه آن که هر دوی این دو باند خود را اصولگرا و مدافع خط امام می‌دانند.